

اعجاز علمی اجتماعی قرآن در قانون‌مندی جامعه در نهاد خانواده*

سید حمید جزائری** و محمد یاسین بصیرت***

چکیده

اعجاز علمی اجتماعی قرآن، یکی از ابعاد اعجاز علمی قرآن است. قانون‌مندی جامعه، در نهاد خانواده از مباحث اجتماعی است. نهاد خانواده آغاز زندگی در جامعه است. قانون‌مندی در زندگی اجتماعی از جمله در نهاد خانواده، از نیازهای اساسی جامعه است. قرآن کریم، به‌عنوان منبع خطاناپذیر، مهم‌ترین منبع قانون در جامعه اسلامی است و جایگاه ویژه در تبیین قانون‌مندی جامعه دارد. در قرآن کریم، آیات در زمینه‌های اجتماعی وجود دارد که مرتبط با قانون‌مندی در نهاد خانواده است. در این راستا، اعجاز علمی اجتماعی قرآن در جامعه در نهاد خانواده، تبیین شده است. روش تحقیق، کیفی و اسنادی، توصیفی - تحلیلی و تطبیقی بوده است. قانون‌مندی اجتماعی توضیح داده شده، گزاره‌های اجتماعی آیات قرآن مطالعه شده است، قانون‌مندی خانواده با سه روش، از آیات قرآن استخراج شده است. روش اول، آیاتی که به گونه مستقیم درباره خانواده (ازدواج، روابط محرم و نامحرم و...) است. روش دوم، آیاتی که درباره جامعه خاص و مرتبط با خانواده از نظر عبرت‌گیری از سرنوشت آن‌ها است؛ مثلاً، آیات درباره قوم لوط که با رعایت نکردن قانون‌مندی خانواده، نابود شدند. روش سوم، آیاتی که با شرایط صدق می‌توان از آن‌ها قانون‌مندی خانواده را، استکشاف کرد؛ مثلاً، آیاتی که شرایط رستگاری مؤمنان را به عفاف داشتن بیان می‌کنند؛ نتیجه این بوده است که قانون‌مندی نهاد خانواده در آیات قرآن، از اعجاز علمی اجتماعی قرآن باشد، با این تبیین که چگونگی حکایت آیات از خانواده در عصر نزول و قانون‌مندی خانواده در جامعه جاهلی، سابقه نداشته و قانون‌مندی خانواده در آیات قرآن، همان کارکردهای خانواده است که در علم جامعه‌شناسی ثابت شده است؛ بنا براین بیان آیات قرآن در قانون‌مندی خانواده، از اعجاز علمی اجتماعی قرآن است.

واژه‌های کلیدی: اعجاز، اعجاز علمی، اجتماعی، قرآن، قانون‌مندی و خانواده.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۴/۱۶.

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفیٰ العالمیة: jazayeri@almustafaou.com

*** دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم اجتماعی، جامعه المصطفیٰ العالمیة: m.iasinbasirat@gmail.com

مقدمه

بیان قرآن در اعجاز علمی، محدود به علمی خاص نیست، وجوه اعجاز علمی، عمومیت دارد، آیات متعدد در هر قسمتی به جنبه‌ای از این اعجاز اشاره دارند. اعجاز مانند؛ ادبی، طبی و نجومی و ... یکی از اعجاز علمی قرآن در علوم اجتماعی است و از مباحث علوم اجتماعی قانون‌مندی جامعه است. بدیهی است که رفتار اجتماعی انسان‌ها با قوانین اجتماعی جهت داده می‌شوند، هرچه این قوانین از پشتوانه حقیقی برخوردار باشد، تضمین سعادت اجتماعی را خواهد داشت. قرآن کریم از منابع اصیل دینی است که می‌توان قوانین اجتماعی را از منظر آن بررسی کرد. یکی از ابعاد قانون‌مندی جامعه، قانون‌مندی در نهاد خانواده است. قانون‌مندی در جامعه، یکی از مسائل اصلی و بنیادین بررسی پدیده‌های اجتماعی است که در کلیه مراحل تحقیق در باب پدیده‌های اجتماعی، نقش اساسی دارد. حتی انتخاب روش تحقیق، وابستگی تام به حل این‌گونه مسائل دارد. در خطر قرار گرفتن نهاد خانواده در شرایط کنونی با طرح آزادی جنسی و به وجود آمدن ارتباط جنسی در قالب هم‌خانگی بدون ازدواج در جامعه غربی؛ بنا براین، پرداختن به این موضوع مسئله اجتماعی است. این نوشتار درصدد تبیین این است که قانون‌مندی نهاد خانواده در قرآن چگونه بیان شده است. در جامعه عرب جاهلی عصر نزول، نهاد خانواده قانون‌مند، وجود نداشت آیات قرآن، بر قانون‌مندی نهاد خانواده در جامعه دلالت دارند. مثلاً، قانون‌مندی در اصل تشکیل نظام خانواده با قانون ازدواج مرد با زن که از آیات الهی شمرده شده، و وضع قوانین در مشخص کردن روابط محرم و نامحرم و معرفی خانواده‌های نمونه به‌عنوان الگو؛ مباحثی از اعجاز علمی اجتماعی قرآن در قانون‌مندی نهاد خانواده است.

مفهوم‌شناسی

الف) مفهوم اعجاز

اعجاز از ماده «عجز» است که در اصل نقیض «حزم» (محکم بستن طناب) است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵: ۳۶۹/۵) و به معنای ضعف و ناتوانی است (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹: ۲۱۵/۱)؛ اما در اصطلاح عبارت است از امر خارق‌العاده‌ای که مقرون به تحدی (مبارز طلبی) و سالم از معارضه باشد. (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۱۶: ۲، ۳۱۱)؛ البته برای ارائه تعریفی دقیق و کامل‌تر، قیود دیگری نیز به این تعریف اضافه کرده‌اند، از جمله اینکه معجزه باید به دست انبیای الهی انجام گیرد، همراه با تحدی و هم‌آورد طلبی باشد، به عنوان شاهد بر صدق ادعای نبوت باشد (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۲۸: ۲۳/۴)؛ خوبی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۵: ۳۵).

ب) مفهوم اعجاز علمی قرآن

اولا، در آن نوعی رازگویی علمی باشد به این معنا که مطلبی علمی را که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته باشد به طوری که مدت‌ها بعد از نزول آیه مطلب علمی کشف شود و این مسئله علمی خود به گونه‌ای باشد که با وسایل عادی در اختیار بشر عصر نزول قابل اکتساب نباشد، دوم، اینکه اخباری غیبی در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریان‌های تاریخی باشد که در هنگام نزول آیه، از آن اطلاع نداشته و پس از خبر دادن قرآن طبق همان خبر واقع شود و خبر نیز به گونه‌ای است که از راه عادی قابل پیش‌بینی نباشد (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۸۵). اعجاز علمی قرآن، ابعاد گوناگون دارد که بخشی از آن به هستی‌شناسی قرآن مربوط می‌شود. قرآن در این باره اشاراتی گذرا دارد که به برخی از اسرار طبیعت نظر داشته که با مرور زمان و پیشرفت علم، پرده از این اشارت‌ها برداشته می‌شود. از برخی دیدگاه‌ها، استفاده می‌شود که تمامی ابعاد قرآن معجزه است ولی به اختلاف مخاطبین متفاوت است، به این معنا که ابعاد اعجاز ادبی قرآن برای اهل ادب، گزاره‌های به اصطلاح اجتماعی برای محققان علوم اجتماعی، مطالب روان‌شناختی برای متخصصین روان‌شناس و ابعاد حکمت و فلسفی آن برای فیلسوفان و متکلمان، جنبه‌های اعجاز فراوان دارد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۵۷/۱-۶۷؛ معرفت، التمهید، ۱۴۲۸: ۲۳/۴ و ۱۳۴). شهید مطهری معتقد است اعجاز قرآن از دو جنبه اصلی قابل‌بحث است؛ یکی بعد بلاغی و فصاحت قرآن که ناظر به روشنی بیان، شیرینی بیان، زیبایی بیان و جذابیت آن است و مربوط به لفظ است البته نه لفظ منفک از معنا بلکه از آن حیث که محتوای معناست و جنبه دیگر آن که مربوط به محتوای قرآن است و عبارت است از جنبه فکری و علمی قرآن (مطهری، جامعه و تاریخ در قرآن، ۱۳۷۸: ۵۴۷).

ج) مفهوم اعجاز اجتماعی قرآن

اعجاز اجتماعی قرآن را به لحاظ مفهومی بایست در ساختار قرآنی‌اش تعریف نمود، ساختاری که شامل مباحث و اصولی می‌شود که به طور عمده ناظر به حیات اجتماعی انسان گذشته، حال و آینده است (آقایی، اعجاز اجتماعی قرآن با تأکید بر قوانین جامعه‌شناسی، قرآن و علم، ۱۳۹۰: ۸)؛ بنابراین، اعجاز اجتماعی قرآن به این معناست که قرآن در زمینه‌های اجتماعی، دیدگاه‌هایی را مطرح کرده که قبل از قرآن سابقه نداشته و با عقل و فنون آن زمان

قابل دستیابی نبوده و بعد از مدت‌ها به این مطالب قرآن پی برده شده است. اعجاز علمی اجتماعی قرآن در قانون مندی جامعه در نهاد خانواده به این مفهوم است که در ساختار آیات قرآن ناظر به حیات اجتماعی در خانواده، بیان‌کننده قانون مندی نهاد خانواده در جامعه است. قرآن کریم از قانون مندی خانواده خیر داده است (نساء/ ۱) از منظر قرآن، قانون مندی نهاد خانواده با ایجاد آرامش و قرار دادن مهر و محبت خاص و مهربانی در دل‌ها است [روم/ ۲۱]. این قانون مندی خانواده در شرایط حال و آینده، جریان دارد و در علم تجربی تحت عنوان کارکردهای خانواده در جامعه‌شناسی به اثبات رسیده است. تبیین ارتباطی میان این کارکردها و بیان آیات قرآن در قانون مندی خانواده، اثبات‌کننده اعجاز علمی اجتماعی قرآن در قانون مندی جامعه در نهاد خانواده است.

د) لفظ «قانون» در اصطلاح، به دو معنا کاربرد دارد

یکی در امور اعتباری، وضعی و قراردادی و دیگری در امور حقیقی، نفس‌الامر و واقعی. قانون در معنای اعتباری و تشریحی، مفاد جمله‌ای است که به صورت دلالت منطقی و یا التزامی، بر امر و نهی دلالت دارد. «هر راننده‌ای باید وسیله نقلیه خود را از سمت راست براند»، یکی از مقررات وضعی است که دال بر امر و بایدی است. قانون به معنای حقیقی یا تکوینی و یا نفس‌الامری حاکی از یک ارتباط نفس‌الامری است که با وضع و اعتبار سروکار ندارد. «حاصل جمع دو و دو چهار می‌شود» یا «آب بر اثر حرارت به جوش می‌آید» و یا «از ترکیب اکسیژن و هیدروژن آب پدید می‌آید»، از جمله قوانین حقیقی‌اند که از ارتباطات نفس‌الامری سخن می‌گویند و به وضع اعتبار نیز بستگی ندارند و به همین رو حقیقی‌اند (مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ۱۳۸۰: ۱۱۴). از نظر شهید صدر، در قرآن، پیوند عمیق میان هدایت انسان و قانون مندی جامعه، برقرار است. به این تعبیر که، میان صحنه تاریخ و قوانین و سنن تاریخی با رسالت قرآن کریم، پیوندی تنگاتنگ برقرار است (صدر، المدرسه القرآنیه، ۱۴۰۹: ۷۵-۸۰). منظور ما از قانون، ترکیب از قانون تشریحی و قانون به معنای حقیقی یا نفس‌الامری آن است. قانون مندی نهاد خانواده، قانون تشریحی (دال بر باید و نباید)؛ قانون حقیقی (دال بر آثار و پیامدها) است، شامل هر نوع قانون مندی مرتبط با خانواده در جامعه بوده که جنبه الهی داشته و ممکن است با علوم تجربی کشف شده باشد یا بعد کشف شود، اصل بر ضابطه‌مند بودن خانواده است.

هـ) مفهوم نهاد و نهاد خانواده

نهادهای اجتماعی برای سازماندهی نظم جامعه و برآورده ساختن نیازهای اساسی آن پدید آمده‌اند. در تعریف نهاد گفته شده: «نهاد نظام سازمان‌یافته از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای تأییدشده و یکنواختی را در برآورده ساختن نیازهای بنیادی جامعه، ایجاد می‌کند» (همان، ۱۱۰). نهاد خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که برای نظم‌بخشی به برخی رفتارهای افراد در جامعه، تأسیس شده است. در جامعه‌شناسی، نهاد خانواده چنین تعریف شده است: «خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادی دیگر جامعه، مسئولیت اصلی را به عهده دارد. خانواده از گروهی از آدم‌ها ترکیب می‌شود که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص، باهم زندگی می‌کنند» (همان، ۱۲۷).

اعجاز قرآن و اشتراك جامعه‌ها در قانون‌مندی اجتماعی

از محورهای در اعجاز اجتماعی، قانون‌مندی در نهاد خانواده است. قرآن سرگذشت گذشتگان توجه کرده و در ضمن آن، اصل قانون‌مندی را یادآور شده است؛ زیرا سرنوشت انسان‌ها باهم پیوند دارد تاریخ انسان‌ها بحال و آینده آن‌ها در ارتباط است. به تحلیل شهید مطهری، «انسان به عنوان نوع واحد به حکم فطرت و طبیعت خود، اجتماعی است به این معنا که اجتماعی بودن او و دارای روح جمعی شدن او از ویژگی ذاتی و فطری او سرچشمه می‌گیرد، نوع انسان برای این‌که به کمال لایق خود که استعداد رسیدن به آن را دارد برسد، گرایش اجتماعی دارد و زمینه روح جمعی نیز به نوبه خود به منزله وسیله‌ای است برای این‌که نوع انسان را به کمال نهایی برساند، در نتیجه جامعه‌های انسانی نیز ذات و طبیعت و ماهیت واحد دارند» (مطهری، جامعه و تاریخ در قرآن، ۱۳۷۸: ۵۳).

تأکیدات مکرر قرآن کریم به حاکمیت قانون‌مندی بر سرگذشت جامعه‌ها (احزاب/ ۶۲)، (فتح/ ۲۳)، (آل عمران/ ۱۳۷)، (فاطر/ ۴۳) و تمثیلات متعدد آن در نهاد خانواده، بیان قصص متعدد و گاه تکرار برخی سرگذشت‌ها و تصریح فراوان به عبرت‌گیری از این سرگذشت‌ها (روم/ ۲۱)، (آل عمران/ ۱۳) و (یوسف/ ۱۱۱)، بیانگر بیانی اعجاز گونه علمی اجتماعی در قانون‌مندی خانواده است. از یک سو سرنوشت مشترک داشتن و از طرفی وجود مشترکات فراوان در بین جامعه‌ها؛ در نتیجه اعتقاد به وجود اشتراك در قانون‌مندی، و آثار مترتب بر آن است.

آثار اعجاز علمی اجتماعی قانون‌مندی نهاد خانواده در جامعه

تأثیر قانون‌مندی در نهاد خانواده، بر جامعه، پیامدهایی دارد؛ زیرا جامعه ترکیب از افراد به هم پیوسته است و خانواده اولین نهاد اجتماعی است که تأثیرگذار بر تمام نهادهای اجتماعی دیگر است. اعجاز علمی اجتماعی قانون‌مندی نهاد خانواده در قرآن، آثار در جامعه دارد، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) شناخت درست از تاریخ خانواده در جامعه

شناخت درست از تاریخ خانواده و توجه به قانون‌مندی آن و عبرت‌گیری از سرنوشت خانواده در جامعه؛ مانند آنچه در قرآن، از قانون‌مندی خانواده، تحت عنوان سنت‌های الهی بیان شده می‌فرماید: خدا می‌خواهد برای شما توضیح دهد و راه [و رسم] کسانی را که پیش از شما بوده‌اند به شما بنمایاند و بر شما بیخشداید و خدا دانای حکیم است (نسا/ ۲۶) و داستان حضرت یوسف با زلیخا (یوسف/ ۷ و ۲۴) و تولد حضرت عیسی علیه السلام از مریم (آل عمران/ ۳۵ و ۴۴-۴۵). اگر قرآن، آن‌ها را در نهاد خانواده نقل نمی‌کرد، حقیقت قانون‌مندی‌شان در خانواده روشن نمی‌شد. همان‌گونه که قدرت پیش‌بینی حوادث آینده، به قانون‌مند بودن جامعه مرتبط است، با اثبات قانون‌مندی نهاد خانواده در جامعه، زمینه برای کشف قوانین فراهم می‌آید و با دست داشتن قوانین اجتماعی به بررسی جوامع پیشین پردازیم، یقیناً تحلیلی درست‌تر از آنچه صرفاً در کتاب‌های تاریخ آمده است، در اختیار خواهیم داشت و حتی با در دست داشتن قوانین می‌توانیم برخی نقل‌های تاریخی را تصحیح کنیم.

ب) پیش‌بینی پذیری آینده نهاد خانواده در ارتباطات اجتماعی

با اثبات اعجاز قرآن، در بیان قانون‌مندی نهاد خانواده، آنگاه می‌توان با بررسی این قانون‌مندی و شناخت آن رابطه‌ها و تطبیق آن قوانین کلی بر جوامع موجود، روند رخداد پدیده‌های اجتماعی مرتبط با خانواده را پیش‌بینی کرد. در تبیین سرنوشت، قوم لوط که با انحراف از قانون‌مندی ازدواج و ترویج هم‌جنس‌گرایی زمینه نابودی‌شان را فراهم کردند (الشعراء/ ۱۶۰-۱۷۴)، می‌توان در جامعه‌های که هم‌جنس‌گرایی را به رسمیت شناخته‌اند با چه سرنوشت مواجه خواهند بود و یا در جامعه‌های که ارتباط جنسی بدون تشکیل خانواده وجود دارد، می‌توان پیش‌بینی کرد که سلامت اجتماعی از نظر آرامش و ارتباطات افراد با یکدیگر (ارتباط زن با مرد و فرزندان و ...)، دچار اختلال جدی خواهد شد.

ج) برنامه‌ریزی برای بهبود وضع موجود خانواده در جامعه

شناخت قانون مندی خانواده، این توانایی، برای کارشناس انتظام اجتماعی ایجاد می‌کند که آن‌ها می‌توانند آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی نشئت گرفته از خانواده و نیز عوامل به وجود آورنده آن را شناسایی کرده و در جهت چاره‌اندیشی و اصلاح وضع موجود اقدام کنند. مثل تبیین آرامش داشتن با تشکیل خانواده و ایجاد محبت خاص میان دو همسر و خانواده‌هایشان تحت عنوان «مودت» و «رحمت» (روم/۲۱). متخصصان علوم اجتماعی، با توجه به محتوای آیات قرآن و در راستای سعادت واقعی جامعه، با شناخت مکانیسم تحول از وضع موجود به وضع ایده‌آل، برای حرکت جامعه بدان سو برنامه‌ریزی نمایند. از سوی دیگر، با شناخت عوامل پدیدآورنده و نهادینه کننده ارزش‌ها، ارزش‌های مثبت را ابقا کنند و در پرتو این برنامه‌ریزی‌ها مصونیت جامعه را در برابر آسیب‌های اجتماعی تأمین نمایند و در برابر تهاجم فرهنگ‌های بیگانه، جامعه را واکسینه نمایند.

تبیین روش بررسی قانون مندی نهاد خانواده در قرآن

روش اول، به بررسی آیات می‌پردازد که مستقیماً از قانون مندی خانواده سخن به میان آورده‌اند، این آیات مربوط به سنت ازدواج است. ازدواج در جامعه، قانون مندی است که با پایه‌گذاری خانواده در اجتماع انجام شده، ابتدا با يك مرد و زن تشکیل می‌شود، قرآن کریم این قانون مندی را چنین بیان می‌کند: از نشانه‌های خداست، آن‌که آفرید برای شما همسرانی از جنس خودتان تا بدیشان آرام گیرد و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. هرآینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه‌ها و عبرت‌هاست. [روم/۲۱] در آیه دیگر می‌فرماید: ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا ننمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است (نساء/۱). در آیه دیگر می‌فرماید: اوست که شما را از یک‌تن آفرید و همسر او را از [نوع] او پدید کرد تا بدو آرام گیرد (اعراف/۱۸۹).

تفسیر اعجاز علمی اجتماعی این آیات، در قانون مندی خانواده، این است که، با نازل شدن آیات قرآن در مورد خانواده، زن در خانواده از کرامت برخوردار شد و قانون مندی در خانواده مطرح گردید. زن در جامعه جاهلی پیش از نزول آیات، موجود پستی شمرده می‌شد و خانواده قانون مندی وجود نداشت؛ مطابق با آیات قرآن، زن در نهاد خانواده قرآنی، از جنس انسانیت از نفس واحد با مرد در آفرینش و با قانون مندی تحت عنوان «ازدواج» از نشانه الهی دانسته شده که در مرد و زن آرامش به وجود می‌آید و در قلب‌هایشان علاقه مندی خاص برقرار می‌شود.

تبیین اعجاز علمی اجتماعی آیات قرآن در بیان قانون‌مندی خانواده به این است که قانون‌مندی خانواده در جامعه عصر نزول، سابقه نداشته و بشر آن روز دسترسی به آن نداشته است. ازدواج در جامعه‌های قبل از نزول آیه، از نشانه خدا نمی‌دانستند و احوال زن در مجتمع انسانی در دوره‌های قبل از نزول آیه و عصر نزول آن با اوهام و خرافات، عجین شده بود. در آیات قرآن، ناهنجاری قانون در خانواده عرب جاهلی بیان شده است: جمع کردن (نکاح) دو خواهر بر شما حرام شده است مگر آنچه در گذشته رخ داده است (نساء/۲۳) «از به دنیا آمدن دختر در خانواده، چهره مرد خشمگین شده و در مواردی دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند» (نحل/۵۸ و ۵۹) (التکویر/ ۸ و ۹). در تاریخ، اختلال قانون‌مندی خانواده، در جامعه جاهلیت، گزارش شده است: شخصیت زن به شدت نکوهش و به عنوان موجود پست قلمداد می‌شد، در ذلت و خواری زن همین بس که حیاتش مایه ننگ و عار بود (أبوزهره، تنظیم السلام للمجتمع، ۱۹۷۵: ۱۳)، دختران در ازدواجشان نقشی نداشتند، در عصر جاهلیت، زنان تحت اولیای خویش بودند هرگونه ازدواجشان با تصمیم اولیایشان بود (علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۹۷۸: ۴/ ۶۳۶)، در مواردی زن‌پدیری را به ارث تصاحب می‌کردند (الحوفی، المرأه فی الشعر الجاهلی، بی تا: ۲۵۷)، فرزند متولد شده از زنا را فرزند می‌خواندند و ازدواج مخاذنه (مصاحبه و دوست داشتن) می‌کردند و ... (فتاحی‌زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶: ۷۷) این موارد نمونه‌هایی از کاستی‌های قانون‌مندی نهاد خانواده در جامعه پیش از نازل شدن قرآن بوده است.

علامه طباطبایی وضعیت زن در خانواده را چنین تحلیل کرده است: «عرب برای زن در زندگی نه استقلال قائل بود و نه حرمتی و نه شرافتی بله حرمتی که قائل بود برای بیت و خاندان بود» (طباطبایی، مباحث علمی در تفسیر المیزان، ۱۳۹۶: ۵۹۹). زن، عصر نزول در نهاد خانواده مواجه با مشکلات بود علامه طباطبایی در مباحث علمی تفسیر المیزان به طور خلاصه وضعیت زن در دوره‌های قبل از اسلام و عصر ظهور اسلام، چنین تبیین کرده است:

اول این‌که: بشر در آن دروان درباره زن، دو طرز تفکر داشت؛ یکی این‌که زن را در سطح حیوانات بی‌زبان می‌دانست و دیگر این‌که او را انسانی پست و ضعیف در انسانیت می‌پنداشت.

دوم این‌که: بشر قبل از اسلام نسبت به زن از نظر وضع اجتماعی نیز دو نوع طرز تفکر داشت؛ بعضی از جوامع زن را خارج از افراد اجتماع انسانی می‌دانستند و معتقد بودند زن جزء این هیكل ترکیب یافته از افراد نیست؛ بلکه از شرایط زندگی اوست؛ بعضی دیگر معتقد بودند زن مانند اسیری است که به بردگی گرفته می‌شود و از پیروان اجتماع غالب است و اجتماعی که او را اسیر کرده و از نیروی کار او استفاده می‌کند.

سوم این که: محرومیت زن در این جوامع همه جانبه بود و زن را از تمامی حقوقی که ممکن بود از آن بهره مند شود، محروم می دانستند، مگر به آن مقداری که بهره مندی زن در حقیقت به سود مردان بود که قیم زنان بودند.

چهارم این که: رفتار مردان با زنان عبارت بود از غلبه قوی بر ضعیف. هر معامله ای که با زنان می کردند بر اساس قریحه استخدام و بهره کشی بود، این روش امت های غیر متمدن بود اما امت های متمدن این طرز تفکر را داشتند که زن، انسانی است ضعیف الخلقه که توانایی آن را ندارد که در امور خود مستقل باشد (همان، ۶۰۱-۶۰۲).

با نازل شدن آیات قرآن، هویت زن روشن شد که زن مانند مرد است و هر دو انسان هستند و هیچ یک برتری بر دیگری ندارد مگر به تقوا همچنان که خداوند می فرماید: ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت و قبیله گردانیدیم تا با یک دیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است (حجرات/۱۳).

در آیه، اساس قانون مندی نظام اجتماعی با خانواده، بیان شده است که آفرینش انسان ها از مرد و زن بوده است و تقسیم شدن انسان ها به ملیت های (شعبه ها و قبیله ها) گوناگون برای معرفتشان است کرامت و بزرگواری شان به تقوای الهی داشتن است؛ از اعجاز علمی قرآن است که برای زن کرامت را بیان کرده همانند مرد و زن را در آفرینش مساوی با مرد دانسته است. از اعجاز علمی اجتماعی قرآن، قرار دادن «ازدواج» به عنوان قانون مندی است. در تفسیر المیزان در ارتباط با بحث علمی ازدواج چنین تبیین شده: «ازدواج از «سنت های اجتماعی» است» (همان، ۶۹۲) سنت اجتماعی همان قانون مندی و روشی است که جامعه بر اساس آن نظام مند می شود. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۳۷ آل عمران می گوید: «کلمه سنن جمع سنت است که به معنای طریقت و روشی است که باید در مجتمع سیر شود.» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۴/۳۰).

ازدواج، اولین قانون مندی در نهاد خانواده است، که با این قانون، مراحل قانون مندی دیگر تکمیل شده است. تبیین این قانون الهی، در نظام اجتماعی به این است که کسانی که از ازدواج وحشت دارند، خداوند آنان را تشویق می کند و خود آن شکاف تخیلی و یا واقعی «فقر» را که ممکن است پیش آید، پر می کند و به آنان وعده غنا و بی نیازی می دهد و می فرماید: «بی همسران خود و غلامان و کنیزان درست کارتان را همسر دهید اگر تنگدست اند خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد و خدا گشایش گر داناست» (نور/۳۲).

از جمله موارد قانون مندی، مسئولیت مردان در نظام خانواده است؛ خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «مردان، سرپرست و نگهبان زنان‌اند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماعی) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر نفقاتی که از اموالشان در مورد زنان پرداخت می‌کنند» (نساء/ ۳۴). مخاطب قرآن مردان‌اند تا آن‌که در جهت تشکیل زندگی تلاش و سعی کنند و سامان بخشی آن را بر دوش کشند. تداوم زندگی و تأمین آن، سختی‌ها و درگیری‌های فراوانی به دنبال دارد که بدون امید و آرامش نمی‌تواند ادامه یابد. لذا این ایستادگی در برابر نابسامانی‌ها را بر دوش مردان قرار داده است. از سوی دیگر، زنان را آفرید تا کانون محبت، عشق، زیبایی و آرامش بخشی باشند. مسئول دانستن مردان در خانواده و قرار دادن زنان را به عنوان لطیف و با عاطفه که آرامش و محبت را در خانواده می‌آورد؛ از اعجاز علمی اجتماعی قرآن است، با این توضیح که چنین قانون مندی سابقه نداشت پیش از نزول آیات، مردان مسئول در قبال خانواده نمی‌دانستند و زنان را موجودات پست تصور می‌کردند.

موارد دیگر از قانون مندی خانواده در قرآن، تحریم زنا و فحشاء (انعام/ ۱۵۱؛ اسراء/ ۳۲؛ اعراف/ ۲۸ و ۳۳)، آیاتی که بیان‌کننده قانون مندی داشتن حریم در رابطه میان افراد در خانواده است: «به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاک‌دامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است، به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فروبندند و پاک‌دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه طبعاً از آن پیدا است و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به‌گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد (النور/ ۳۰-۳۱)؛ نمونه‌های از شیوه مستقیم از قانون مندی خانواده در قرآن است که پیش از نزول آیات سابقه نداشت است.

تبیین اعجاز علمی اجتماعی آیات قرآن مرتبط با قانون مندی خانواده در بعد دیگر، با این ملاحظه است که امروزه با تجربه علمی اجتماعی (جامعه‌شناسی) کارکردهای خانواده همسو با بیان قرآن، به اثبات رسیده است. در تحلیل جامعه‌شناسی، کارکردهای خانواده معاصر، چنین جمع‌بندی شده است: الف) تولید نسل ب) تعیین اجتماعی ج) اجتماعی کردن کودکان د) کانون مهر و الفت (تقوی، جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۸۲: ۸۵-۸۶). در کتاب اسلام و

جامعه‌شناسی از ویلیام آگبرم و کلارک تیبتس، کارکردهای خانواده، نقل شده است: «در جامعه‌شناسی، شش کارکرد اساسی خانواده مورد تأکید قرار دارند که عبارت‌اند از: تولیدمثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عاطفه و همراهی و تثبیت پایگاه اجتماعی» (بستان نجفی)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۸۵: ۶۷). کارکردهای خانواده در آیات قرآن، بیان شده است. برای روشن شدن به محتوای آیات سوره نساء، توجه شود. در این آیات، قانون مندی تولید مثل، تنظیم رفتار جنسی در قالب قانون نکاح (نساء/ ۱ و ۳) و بیان محرم و نامحرم: (با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده‌اند نکاح مکنید، [نکاح اینان] بر شما حرام شده است مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران زانتان و دختران همسرانتان که [آن‌ها دختران] در دامن شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران هم‌بستر شده‌اید پس اگر با آن‌ها هم‌بستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید] و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند و جمع دو خواهر با همدیگر مگر آنچه درگذشته رخ داده باشد (نساء/ ۲۲-۲۳). قانون مندی تنظیم رفتار جنسی در خانواده، با حرام دانستن زنا و حلال شمردن متعه (عقد موقت) (نساء/ ۲۴) بیان شده است. در آیه ۲۶ سوره نساء، ازدواج را «سنت الهی»؛ یعنی قانون مندی در جامعه دانسته است، می‌فرماید: خدا می‌خواهد برای شما توضیح دهد و راه [و رسم] کسانی را که پیش از شما بوده‌اند به شما بنمایاند و بر شما ببخشاید و خدا دانای حکیم است (نساء/ ۲۶).

کارکردهای دیگر خانواده (حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، عاطفه و همراهی و تثبیت پایگاه اجتماعی) که در جامعه‌شناسی ثابت شده است. در آیات قرآن بیان شده است. برای روشن شدن این مطلب به تفسیر برخی آیات می‌پردازیم. ازدواج قانون مندی در جامعه است با این توضیح که در آیه (روم/ ۲۱) تشکیل خانواده از آیات الهی بیان شده و از کارکردهای آن آرامش که در نهاد خانواده است. در تفسیر نمونه، این آیه چنین تبیین شده است: به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آنهاست یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود. این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد و از اینجا می‌توان نتیجه گرفت آنها که پشت پا به این سنت الهی می‌زنند وجود ناقصی دارند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۶/۳۹۱).

آیت الله مکارم، در ادامه تفسیر آیه می نویسد: و اما مسئله «مودت» و «رحمت» در حقیقت «ملاط» و «چسب» مصالح ساختمانی جامعه انسانی است، چراکه جامعه از فرد فرد انسان‌ها تشکیل شده همچون ساختمان عظیم و پرشکوهی که از آجرها و قطعات سنگ‌ها تشکیل می‌گردد. اگر این افراد پراکنده، و آن اجزاء مختلف، باهم ارتباط و پیوند پیدا نکنند «جامعه» یا «ساختمانی» به وجود نخواهد آمد. آن‌کس که انسان را برای زندگی اجتماعی آفریده این پیوند و ربط ضروری را نیز در جان او ایجاد کرده است. فرق میان «مودت» و «رحمت» ممکن است از جهات مختلفی باشد:

- ۱- «مودت» انگیزه ارتباط در آغاز کار است، اما در پایان که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد «رحمت» جای آن را می‌گیرد.
- ۲- «مودت» در مورد بزرگ‌ترها است که می‌توانند نسبت به هم خدمت کنند اما کودکان و فرزندان کوچک در سایه «رحمت» پرورش می‌یابند.
- ۳- «مودت» غالباً جنبه متقابل دارد، اما رحمت یک‌جانبه و ایثارگراانه است، زیرا برای بقاء یک جامعه گاه خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن مودت است و گاه خدمات بلاعوض که نیاز به ایثار و «رحمت» دارد.

البته آیه مودت و رحمت را میان دو همسر بیان می‌کند ولی این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر «بینکم» اشاره به همه انسان‌ها باشد، که دو همسر یکی از مصداق بارز آن محسوب می‌شوند، زیرا نه تنها زندگی خانوادگی که زندگی در کل جامعه انسانی بدون این دو اصل یعنی «مودت» و «رحمت» امکان‌پذیر نیست، و از میان رفتن این دو پیوند، و حتی ضعف و کمبود آن، مایه هزاران بدبختی و ناراحتی و اضطراب اجتماعی است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، همان، ۳۹۳).

از تفسیر آیه استفاده می‌شود که آیه، «سکونت = آرامش» بین دو همسر را در خانواده، طرح کرده است. این «سکونت» قانون‌مندی را در خانواده پایه‌ریزی می‌کند؛ از آنجا که خانواده اولین و مهم‌ترین رکن در بقای نظام اجتماعی است، «مودت» و همچنین «رحمت» که لازمه اخلاق انسانی و استمرار فضائل و کرامت‌های بشری است. بقای خانواده را تضمین می‌کند و با مراقبت و حفظ از یکدیگر، هر دو همسر، در خانواده قانون‌مند می‌شوند؛ چنانچه در خانواده‌ها این «مودت و رحمت» نباشد و یا به ضعف گراید، نظام اجتماعی دچار اختلال می‌شود.

آیت الله جوادی آملی در توضیح آیات مربوط به خانواده می‌نویسد: «باتوجه به آیات الهی اگر گفته شود که هدایت و ضلالت افراد، مرهون هدایت‌ها و گمراهی‌های خانوادگی است، سخن به‌گراف گفته نشده است؛ ازاین‌رو، در اسلام کارکردهای خانواده فقط در فراهم ساختن

نیازهای اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه وظیفه اساسی آن مراقبت از فرزندان، نظام بخشی به رفتار غریزی نوجوانان و تأمین نیازهای فرهنگی و اجتماعی آنان است. از نگاه قرآن، تحکیم جامعه به میزان استحکام خانواده‌ها و هرگونه تزلزل یا ضعف و سستی در جامعه به ناپایداری کانون خانواده وابسته است. به همین دلیل است که قرآن کریم برای تحکیم جامعه و ایجاد جامعه سالم و متعالی به تعلیم و تربیت افراد در خانواده، تأکید می‌ورزد (جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ۱۳۸۸: ۵۰ و ۷۵).

بنابراین، اعجاز علمی اجتماعی قرآن در بیان قانون‌مندی نهاد خانواده، قابل تبیین است با این توضیح که از تفسیر آیات قرآن، استفاده می‌شود که کارکردهای خانواده در جامعه‌شناسی (حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، عاطفه و همراهی و تثبیت پایگاه اجتماعی) در آیات بیان شده است. کارکردهای مثل حمایت و مراقبت و عاطفه و همراهی با سکونت، آرامش، مودت و رحمت؛ کارکردهای مثل جامعه‌پذیری با تعلیم و تربیت در قرآن، قابل تبیین هستند. تثبیت پایگاه اجتماعی به مفهومی که در خانواده نظام و قواعد وجود دارد که جایگاه اجتماعی کودک در خصوص تبار او را مشخص ساخته منسوبان و خانواده‌ای را که شخص بدان تعلق دارد تعیین می‌کند (کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ۱۳۸۴: ۱۸۰)، با قانون‌مندی تشریحی قرآن در ازدواج سوره نساء (آیات ۳ و ۷)، قابل تطبیق هستند.

روش دوم، آیات که موارد خاص از قانون‌مندی در قالب داستان ذکر کرده‌اند. ذکر قانون برای مورد خاص، به معنای مفروغ عنه دانستن اصل قانون‌مندی است. در این نوع بررسی اگر صرفاً به قوانین محدودی از جامعه خاص دست‌یابیم، نتیجه آن خواهد بود که پدیده اجتماعی مرتبط با خانواده؛ فی الجمله قانون‌مندند، ولی اگر در هر یک از موارد ذکر شده، قانون ویژه‌ای مطرح شده بود که با تنقیح مناط توانستیم خصوصیت موارد یادشده را ملغی سازیم، قانون‌مندی خانواده در همه جامعه‌ها را می‌توان نتیجه گرفت. آیت الله معرفت در توضیح تأویل صحیح می‌نویسد: رعایت نظم و دقت در کنار گذاشتن خصوصیات کلام و تجرید آن از قراین خاصه است تا حقیقت آن در قالب مفهوم عام هویدا گردد. این شرط در تأویل است که در اصول از آن با عنوان «تنقیح مناط» تعبیر می‌شود (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۷۹: ۱/۳۲) استفاده از تنقیح مناط در تحلیل آیات مرتبط با قانون‌مندی خانواده این‌گونه است که آیات قرآن کریم درباره جامعه خاص؛ مثلاً از خانواده در «قوم لوط» یاد می‌کند و عناصر انحرافات اجتماعی آن را به گونه‌ای بیان می‌کند که قوم لوط، به دلیل «ناهنجاری اجتماعی»، نادیده گرفتن قانون‌مندی خانواده، مستحق شکست گردید؛ در نتیجه، قوم لوط به علت انحراف جنسی هلاک شدند تا عبرتی باشد برای آیندگان (الشعراء/ ۱۶۰-۱۷۴)؛ بدین مضمون که قوانین

اجتماعی می‌بایست مبتنی بر کتاب تکوین باشد، و این‌که ارزش‌های مطلق را با این رهیافت نظری می‌توان تشخیص داد. به تعبیر شهید صدر: ازدواج گرایش در حد خود از سنت‌های اصیل است نه قانون اعتباری، زیرا مبارزه با آن فقط برای یک مدت کوتاه ممکن است. به قوم لوط این امکان را می‌دهد برای مدت کوتاه این قانون طبیعت را پشت پا بزنند، برای درازمدت قابل تخلف نیست، زیرا تخلف از این قانون باعث می‌شود این انسان‌ها سر به نیست شوند (صدر، تفسیر موضوعی سنت‌های تاریخ در قرآن، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۲). در تفسیر راهنما آیات مرتبط با قوم لوط چنین تفسیر شده است: علت انتقام گرفتن خداوند از قوم لوط این بود که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند، رساننده مطلب یاد شده است که اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری، زمینه‌ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی است. هلاکت قوم لوط و نجات وی و خاندانش - به جز همسر وی - نمادی از سنت مستمر الهی در یاری‌رسانی حق و سرکوب باطل است. عبرت بودن سرگذشت قوم لوط در صورتی است که درباره دیگر امت‌ها قابل تکرار باشد به تعبیر دیگر، سنت مستمر به شمار آید (هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۶: ۱۳/۱۵۱).

خانواده‌های خاص دیگر مثل خانواده حضرت یوسف و رابط او با زلیخا و سرگذشت حضرت مریم و عیسی که هر کدام، نشان‌دهنده قانون‌مندی در خانواده است. خداوند می‌فرماید: به‌راستی در [سرگذشت] یوسف و برادرانش برای پرسش‌کنندگان عبرت‌هاست (یوسف/۷). پاک‌دامنی یوسف در رابطه با زلیخا، عمل کردن حضرت یوسف به قانون الهی (دوری از فحشا) بوده است و به همین جهت از او به مخلصین یاد کرده است (یوسف/۲۴). یک نمونه دیگر از خانواده‌های خاص در قرآن کریم، خانواده حضرت مریم علیها السلام است که قرآن از این خاندان به‌عنوان آل‌عمران یاد می‌کند. حضرت مریم و پدر و مادرش یک خانواده برگزیده و برتر به جهانیان معرفی شده‌اند. آن حضرت دست‌پرورده مادری است که طبق آیه (آل‌عمران/۳۵) فرزند خود را به پناه خدا سپرد و خدمت‌گزار صومعه قرارداد. پس پروردگارش او را با حسن قبول پذیرا شد و او را به تربیتی نیکو پرورش داد و مادر فرزندی است که خداوند بشارت داد که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاه خداوند باشد و با خلق در گهواره سخن گوید (آل‌عمران/۴۴-۴۵). حضرت مریم، زن نمونه در عمل به قانون‌مندی، بوده است. خداوند می‌فرماید: فرشته وحی گفت من فقط فرستاده پروردگار توأم برای اینکه به توپسری پاکیزه ببخشم، مریم گفت چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام (مریم/۱۹-۲۰). این آیه قرآن که از پاک‌دامنی و چگونگی گفتگوی مریم با فرشته وحی خبر می‌دهد، درصدد بیان قانون‌مندی در خانواده است.

روش سوم، آیاتی که از شرایط صدق موضوعی که در آن‌ها مطرح شده، قانون مندی خانواده را اثبات می‌کند. در اینجا نیز با توجه به حکیم بودن خداوند متعال و فصیح و بلیغ بودن کلام الله، قانون مندی خانواده را کشف می‌کنیم. شایان توجه است که عبارت «شرایط صدق»، در اینجا، لوازم موضوع را شامل می‌شود. توضیح یادشده این زمینه را در اختیار قرار می‌دهد که آیات قرآن مجید، اصل قانون مندی خانواده را مفروغ عنه دانسته است و به ذکر موارد خاص می‌پردازد یا آن‌که اصل قانون مندی را مطرح ساخته و تشخیص مصادیق را بر عهده بشر گذارده است و یا آن‌که اصولاً تأکید خاصی در این دو باب نداشته و صرفاً به عنوان «شرایط صدق» می‌توانیم به این نکته پی بریم که خداوند خانواده را قانون مند می‌داند. بررسی قانون مندی اجتماعی با شیوه‌های ذکر شده، مجال وسیعی را می‌طلبد که در این نوشتار، به نمونه‌ای از آن اشاره خواهد شد. آیات بیان‌کننده قانون مندی جامعه نه به صورت مستقیم و نه درباره جامعه خاص می‌باشند؛ بلکه در صدد بیان قانون مندی جامعه از نظر شرایط صدق است که با داشتن معیار و مصداق قابل تطبیق هست. برای نمونه قانون مندی در جامعه مؤمنان در سوره مؤمنون مورد بررسی قرار گرفته است. خداوند می‌فرماید: به راستی که مؤمنان رستگار شدند ... کسانی هستند که پاک‌دامن‌اند مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست، پس هر که فراتر از این جوید آنان از حد درگذرندگانند (مؤمنون/ ۶۱ و ۷). در این آیات، قانون مندی جامعه مؤمنان در نهاد خانواده با روش سوم است به این مفهوم که شرط رستگاری مؤمنان، پایبندی آن‌ها به قانون مندی رفتار جنسی‌شان در قالب ازدواج است. افراد که از محدوده این قانون بگذرند سعادت‌مند نخواهند شد.

قرآن، بنابر روش سوم، برای قانون مندی خانواده؛ انسان‌ها را به الگوها و نمونه‌هایی برتر توجه می‌دهد. خانواده‌ای می‌تواند برای ایجاد آرامش و موفقیت در زندگی به این الگوها و نمونه‌ها توجه ویژه داشته باشد. که یک نمونه از خانواده برتر در قرآن خاندان حضرت ابراهیم علیه السلام است. خداوند به برگزیده بودن این خاندان اشاره فرموده است: خداوند آدم ابوالبشر و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را برجھانیان برتری داد. خاندان و دودمانی که برخی از برخی دیگر نشئت گرفته و باهم دارای پیوند و ارتباط بودند و خداوند شنوای دانا است (آل عمران/ ۳۳-۳۴). یکی از مهم‌ترین مواهب خدا به ابراهیم علیه السلام داشتن فرزندی صالح و نسلی آبرومند و شایسته است، اشاره کرده و می‌فرماید: ما به او اسحاق را بخشیدیم و یعقوب فرزند اسحاق را به او افزودیم و همه آن‌ها را مردانی صالح و شایسته و مفید قرار دادیم (انبیاء/ ۷۲). قرآن کریم، اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان نمونه کامل از خانواده برتر معرفی کرده است. این خانواده (اهل بیت علیهم السلام) از هرگونه رجس

و پلیدی مبراست (احزاب/ ۳۳). سؤال می‌شود، که این برتری خانواده‌های آل‌عمران، آل ابراهیم و اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام، به چه چیزی بوده است؛ آنچه از تبیین این آیات استفاده می‌شود، این است که قانون‌مندی، در این خانواده‌ها به بهترین صورت ممکن انجام شده است. داشتن فرزند صالح و پاکیزگی جسمی و روحی در این خانواده‌ها، نکته‌ی است که قرآن کریم در برتری آن‌ها تأکید کرده است و این نشان می‌دهد که قانون‌مندی در نظام اجتماعی قرآن با معرفی خانواده‌الگو است. خانواده‌ها در پذیرش قانون و عمل به آن به خانواده‌های الگو بخش توجه نمایند و معیار قانون‌مندی را در خانواده‌های برتر که قرآن معرفی کرده است جستجو نمایند.

نتیجه

اعجاز علمی اجتماعی در قالب قانون‌مندی جامعه مرتبط با نهاد خانواده، در آیات قرآن قابل بررسی است. روش بیان قانون‌مندی جامعه به سه روش مستقیم با عنوان آیات مربوط به خانواده، اشاره به خانواده در جامعه خاص و مفهوم‌گیری از آن و سرایت دادن به نوع خانواده به طور مطلق و استفاده قانون‌مندی جامعه با استفاده از شرایط صدق و تطبیق قاعده و کشف قانون از تاریخ اقوام گذشته و از سیر و نظر کردن به آن‌ها، همه این موارد متفرع بر این نکته است که جامعه قانون‌مند باشد، و گرنه امکان کشف قانون میسر نخواهد شد. آیات موردنظر با توجه به اطلاق آن‌ها، بر اشتراک قانون جامعه، در تمامی جامعه‌ها دلالت دارد، بی‌آنکه تنها بر قانون‌مندی پدیده‌های اجتماعی یک جامعه و قوم معین دلالت داشته باشد. در بحث قانون‌مندی جامعه در آیات مرتبط با خانواده، قانون‌هایی مورد نظر است که مربوط به بعد اجتماعی انسان باشد، از دلالت آیات استفاده می‌شود که جامعه قانون دارد و پدیده‌های اجتماعی و تطور آن‌ها، با این قوانین اداره می‌شود. کاربرد قانون الهی در این آیات بر این امر دلالت دارد که با جستجو در قانون جامعه، شناخت علل و معلول و اصول و قوانین حاکم بر جامعه روشن می‌شود. در نهایت، آثار اجتماعی قانون‌مندی جامعه، در خانواده، قابل استنباط است مانند، قانون‌مندی ازدواج و عبرت‌گیری از سرنوشت خانواده در جامعه خاص و می‌توان از خانواده‌های نمونه، مثل خانواده اهل بیت علیهم‌السلام و بهره‌گیری از آن در جهت‌گیری‌های قانون‌مندی در خانواده سعادت‌مند در جامعه، الگوگیری کرد.

منابع

۱. ابوزهره، الامام محمد، تنظیم الاسلام للمجتمع، دارالفکر العربی، بی‌نا، ۱۹۷۵م.
۲. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر آدب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۳. آقایی، محمدرضا، اعجاز اجتماعی قرآن با تأکید بر قوانین جامعه‌شناسی، قرآن و علم، بهار و تابستان، ش ۸، ۱۳۹۰ش.
۴. بستان (نجفی)، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
۵. تقوی، نعمت‌الله، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ ششم، ۱۳۸۲ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن (جامعه در قرآن)، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۷. الحوفی، احمد محمد، المرأه فی الشعر الجاهلی، القاہرہ: دار نہضہ، بی‌تا.
۸. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الزہراء، چاپ چهارم، ۱۳۹۵ق.
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۱ش.
۱۰. سیوطی، جلال‌الدین، الإقتان فی علوم القرآن، تحقیق از سعید المندوب، لبنان: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۱۱. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ دوم، ۱۹۷۷م.
۱۲. صدر، سید محمدباقر، المدرسه القرانیة، قم: المؤتمر العالمی للامام الشہید الصدر، ۱۴۰۹ق.
۱۳. صدر، سید محمدباقر، تفسیر موضوعی سنت‌های تاریخ در قرآن، تهران: انتشارات تفاهم، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.

۱۴. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، مباحث علمی در تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۶ش.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرایی، قم: مؤسسه دارالهیجره، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۷. فتاحی زاده، فتحیه، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۶ش.
۱۸. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۳ش.
۱۹. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۴ش.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: نشر سازمان تبلیغات، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش.
۲۱. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسة التمهید، ۱۴۲۸ق.
۲۲. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ در قرآن، قم، نشر صدرا، چاپ مکرر، ۱۳۷۸ش.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.
۲۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۶ش.